



پارس ۶۸

www.translate68.ir

نمونه ۱

در جوانی، درست هنگامی که تحصیلات تکمیلی خود را در Caltech آغاز کرده بودم، با فیلسوف سیاسی، ویلمور کندال آشنا شدم. او منبع شخصیت آشوبگر بود، و چنان خشمگین بود که دولت بیل به او مبلغ هنگفتی پول برای استعفا پرداخت. کندال تمام فرضیات آنها را در مورد تقریباً همه چیز بهم زد و سپس به سمت غرب حرکت کرد. غرب برای او ناآشنا نبود، او در Konawa، اوکلاهما، دنیا آمد تا وزیری بی بصیرت شود. نهایتاً، بعد از بیل، او در یک مدرسه یسوعی کوچکی در دالاس مستقر شد. اشتهای او برای زندگی هیچ مرزی نداشت و از مردی برمی آمد که ضمیر ثابت قدمی داشت. در روزی که جان اف کندی در دالاس مورد اصابت گلوله قرار گرفت، تماسی از او دریافت کردم. کندال اعلام کرد: "من قبلاً هرگز در جایی که رئیس جمهور آمریکا سخنرانی می کرد، برای ناهار نبوده ام. باید می دانستم که اتفاقی خواهد افتاد." کندال سقلمه ای به تفکر من زد، او بدلیل اینکه مرا به عنوان قربانی تفکر کاهش گرایی مدرن می دید، دیوانه شده بود. من به این ایده متعهد بودم و تا به امروز نیز متعهد هستم که مکانیسم فیزیکی می تواند تقریباً همه چیز را توضیح دهد. کم کم وقتی که فلاسفه شروع به تجزیه تفکر بنیادین می کنند، چشم دانشمندان آزمایشگاه برق می زند. کندال مشغول مبارزه با فردی بود که درگیر نبرد عمیق نبود و در واقع بطور واضح می دانست که مسائلی وجود دارد. از آنجا که من در طی دیدارش از Pasadena آپارتمان خود را به او قرض دادم، او به این نتیجه رسید که باید جبران کند و آموزش بیشتری به من بدهد. او مرا راهنمایی کرد تا کتاب کلاسیک "دانش شخصی" مایکل پولانی را بخوانم، که از سخنرانی های گیفورد در ۱۹۵۱ به چاپ رسید. من این کار را کردم. از آن زمان، این کتاب در اعماق ذهنم و در اعماق قفسه کتاب من، بارها و بارها در موقعیت های مختلف به عقب و جلو کشیده شده است.

BACK IN MY YOUTH, right when I was beginning my graduate studies at Caltech, I became friends with the political philosopher Willmoore Kendall. He was the original disruptive personality, so exasperating that the Yale administration had paid him a large sum of money to resign. Kendall rocked all of their assumptions on just about everything and then headed out west. The West was not unfamiliar to him, having been born in Konawa, Oklahoma, to a blind minister. Ultimately, after Yale, he settled down in a small Jesuit school in Dallas. His appetite for life had no bounds, and it came from a man with a sure-footed ego. On the day JFK was shot in Dallas, I got a call from him. Kendall declared, "I never before have been at a lunch where the president of the United States spoke. I should have known something would happen."

Kendall kept nudging my thinking, as he saw me as a victim of modern reductionist thought gone wild. I was, and to this day remain, committed to the idea that physical mechanism can and will explain almost everything. By and large, when philosophers start parsing foundational thinking, laboratory scientists' eyes glaze over. Kendall was battling someone who wasn't up to the deep fight and indeed was barely aware that there were issues. Since I kept lending him my apartment during his day visits to Pasadena, he decided he should reciprocate and provide me with a larger education. He directed me to read Michael Polanyi's classic book *Personal Knowledge*, which grew out of Polanyi's 1951 Gifford



پارس ۶۸

www.translate68.ir

نمونه ۲

فیلم کوتاه " فاش "

وکیل : نمیدونی اون بیرون چه خبره
خیلی گرمه

انگار داره آتیش می باره

شانس آوردی که اون بیرون نیستی

تو این سه سال هر کاری کردیم نشد، نه از زبانشون نمی افته (رضایت نمیدن)

کاری داری برات انجام بدم؟

پسر : میخوام مامانم رو ببینم

وکیل : هماهنگ میکنم بیان (جمع میندند)

پسر : تنها (منظورش این است مادر تنها بیاد)

سکانس دیدار مادر و پسر //

پسر : بابا خویه ؟

یادت میاد بچه بود چی صدایش میکردی ؟ (اشاره به خواهرش میکند که انتهای سالن است)

فرفری، فرفری... هنوز صدات تو گوشمه.... فرفری

چقدر اون موقعه ها خوب بود

یه بهار هوا خیلی گرم شد ، یادته ؟ بعدش انگار همینجوری گرم موند

یه روز از مدرسه زودتر اومدم خونه، تو خونه نبود

مامان ... مامان

رفتم تو کمد قایم شدم که وقتی اومدی بترسونمت

تو اومدی....

ولی تنها نیومدی.

خیلی گرمتون بود، خیلی...

من تو کمد بودم،

دیدمتون

من اون مرتیکه رو دیدم

من تو کمد بودم

مامان موهای تو فره یا موهای بابا؟

مامان، مامان ، مامان؟

میدونی وقتی بهم میگن حرومزاده چه حسی بهم دست میده؟

هنوزم بیرون هوا گرمه نه؟

این بین خودمون میمونه...

و بنا به انجام شرع و عرف، و دستورات الهی شما محکوم به حکم اعدام میباشید
از اولیای دم، خانواده مقتول، برای اجرای حکم و کشیدن چهار پایه از زیر پایه قاتل درخواست دارم به پایه چوبه دار
بروید.

این بین خودمون میمونه، که اونم تا فردا تموم میشه... (منظور اینکه که با اعدام شدنش این راز هم خاک میشه)



پارس ۶۸

www.translate68.ir

ترجمه نمونه ۲

The short film "manifest"

The lawyer: You don't know what's going on out there.

It's so hot

It looks like the rain is on fire

You're lucky you 're not out there.

No matter how hard we tried in these three years,

They say nothing except "no" (They don't consent.)

Do you want me to do something for you?

The son: I want to see my mom.

The Lawyer: I'll arrange for them to come (said in plural)

Boy: Alone (He means his mother to be alone)

Mother and son meeting sequence

The son: Is Dad okay?

Do you remember what you called her when she was a kid? (Pointing to her sister at the end of the hall)

curly, curly, ... I still hear your voices ... curly

How good those times were

It was a hot spring, remember? Then it was look like it remains warm.

One day I got home early. You weren't at home.

Mom ... mom

I went into the wardrobe to scare you when you came

You came...

But you were not alone.

It was so hot to you, very...

I was in the wardrobe,

I saw you

I saw that fellow

I was in the wardrobe

Mom, is your hair curly or daddy's hair?

Mom, mom, mom?

You know how it feels when they call me bastard

It's still warm out there, isn't it?

It remains between you and me...

And according to the laws of sharia and custom, and divine orders, you are condemned to death.

I ask the avengers of blood, the victim's family, go to the gallows to execute the sentence and pulling the stool from under the killer's foot

It remains between you and me... which will end by tomorrow ... (The point is, the secret will be buried with his execution)



پارس ۶۸

www.translate68.ir

نمونه ۳

نشان دار کردن و ردیابی *in vivo* سلول های بنیادی ماتریکس بند ناف انسان با استفاده از MRI

هدف:

نشان دار کردن و ردیابی سلول های بنیادی بند ناف با MRI

مواد و روش ها:

بعد از 48 ساعت انکوباسیون سلول های بنیادی ماتریکس بند ناف انسان از طریق اندوسیتوز با ماده ای به نام USPIO (ultra supra para magnetic iron oxide) که اکسید آهن سوپر پارا مغناطیسی است نشان دار شدند و رنگ آمیزی اختصاصی پروسین بلو و آزمایش جذب اتمی برای تایید نانو ذرات آهن در داخل سلول ها انجام شد. نانو ذرات اکسید آهن را در سلول ها نشان داد و بعد از تزریق به مغز خرگوش با تصاویر (MRI) magnetic resonanse imaging در یک دوره زمانی ردیابی شد.

یافته ها:

نشان داده شد که این سلول های بنیادی با ماده USPIO قابل نشاندار شدن بوده و رنگ آمیزی اختصاصی پروسین بلو وجود نانو ذرات آهن USPIO را داخل سیتوپلاسم این سلول ها تایید نمود. پارامترهای T2 تصویربرداری MRI در دستگاه 1.5 تسلا به ترتیب 660 و 120 میلی ثانیه به دست آمد و نواحی با سیگنال متغیر در تصویربرداری T2 تا یک هفته قابل ردیابی و مشاهده است و بعد از هفته اول این تغییرات کاهش یافته و از بین می رود.

نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که سلول های بنیادی ماتریکس بند ناف انسان قابل نشان دار شدن با ماده USPIO و قابل ردیابی و مشاهده هستند و این روش کاملاً غیر تهاجمی و قابل قبول است و در دوره زمانی محدود است.

کلید واژه: سلول بنیادی، نشان دار کردن، *in vivo*، ردیابی سلولی



پارس ۶۸

www.translate68.ir

ترجمه نمونه ۳

In vivo labeling and tracking of human umbilical cord matrix derived stem cells using MRI

Purpose

In vivo labeling and tracking of umbilical cord stem cells using magnetic resonance imaging

Materials and method

After 48 hours of incubation, human umbilical cord matrix derived stem cells were labeled by endocytosis with ultra-small superparamagnetic iron oxide (USPIO) particles. Subsequently, Prussian blue iron staining and atomic absorption spectrometry were performed to prove the presence of iron nanoparticles in the cells. The nanoparticles showed iron oxide in the cells. Moreover, they were detected over a time period after injection into a rabbit's brain using magnetic resonance imaging.

Findings

It was shown that the stem cells could be labeled using USPIO particles. Moreover, Prussian blue iron staining confirmed the presence of USPIO particles inside the cytoplasm of these cells. Further, the T2-weighted scans at 1.5 Tesla were 660 and 120 ms, and areas with variable signals in T2 imaging would be detectable for up to one week; however, they would decrease and disappear subsequently.

Conclusion

It is concluded that USPIO particles can label human umbilical cord matrix derived stem cells. Also, using these particles, it is possible to track and observe these cells in a completely non-invasive and acceptable way during a limited period of time.

Keywords: Stem cell; labeling; in vivo; cell tracking



پارس ۶۸

www.translate68.ir

نمونه ۴

ارائه الگوی پیشرفته روسازی پیش تنیده بلوکی بتنی نفوذپذیر

چکیده

به علت افزایش قیمت قیر استفاده از روسازیهای بتنی در بیشتر کشورها رو به رشد است. در سال های اخیر استفاده از بتن و توسعه اجرای آن به عنوان جانشینی برای روسازی های آسفالتی ، رشد فزاینده ای داشته و مورد توجه مهندسين و طراحان قرار گرفته است. روسازی های بتنی به روسازی پردوام معروف می باشند. استفاده از روسازی بتنی پیش تنیده بلوکی نفوذپذیر مزایای فراوانی از قبیل مقاومت و دوام بالا ، قابلیت اجرای سریع و آسان ، امکان عبور ترافیک بلافاصله پس از اجرای روسازی ، امکان بازیافت بلوک ها ، سازگاری با محیط زیست و زیبایی ، کاهش پدیده اسپری آب در سطح روسازی ، جلوگیری از پدیده آب سطحی و افزایش زهکشی را دارد . استفاده از این نوع روسازی نقش قابل ملاحظه ای را در نیل به توسعه پایدار و مهندسی سبز ایفا می نماید. در این مقاله الگوی پیشرفته روسازی بتنی پیش تنیده بلوکی نفوذپذیر به عنوان یک مدل روسازی جدید معرفی می گردد. لازم به ذکر است این پژوهش بر اساس تجربیات اجرایی و پژوهشهای قبلی نگارندگان و همچنین مقالات دیگر پژوهشگران تهیه شده است.

کلیدواژه ها: روسازی ، روسازی بتنی پیش تنیده ، نفوذپذیر

An advanced model of prestressed concrete block permeable pavement

Abstract

Due to the increased price of bitumen, the use of concrete pavements is growing in most countries. In recent years, the use of concrete as an alternative to asphalt pavements has extensive development and attracted the attention of engineers and designers. Concrete pavements are known as durable pavements. The use of prestressed concrete block permeable pavement has many advantages such as high strength and durability, quick and simple implementation, traffic passing ability immediately after pavement implementation, block recycling possibility, environmental adaptability, and aesthetic aspects. Moreover, it reduces water spray on the pavement surface, eliminates water ponding, and increases drainage. The use of this type of pavements plays a significant role in achieving sustainable development and green engineering. This paper introduces a prestressed concrete block permeable pavement as a new road pavement model. The study was carried out based on the authors' previous experience in implementing such pavements and their previous research along with studies of others in the field.

Keywords: Pavement; prestressed concrete pavement; permeable